



تکرار تجربیات جنبش‌های اجتماعی گذشته

در جنبش دی ماه ۱۴۰۴

جنبش دی ماه ۱۴۰۴ که با اعتصاب بازاریان علیه گران شدن ارز و تشدید تورم آغاز شد، با سرعت خود را در پهنه این سرزمین گستراند و اکثریت مردم را علیه رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی ایران به حرکت درآورد؛ بدون رهبری، بدون یک آلترناتیو روشن، پراکنده و با شعارهای دو پهلو و ناروشن. این جنبش، همان طور که انتظار می‌رفت، پس از مهر تأکید بر تجربیات گذشته، خونین سرکوب شد؛ با بیش از ۴۰ هزار کشته و بیش از ۳۳۰ هزار زخمی و دستگیر شده که در صف اعدام ایستاده‌اند.

ما در کمون شماره ۵۵ چنین نوشتیم: «از سوی دیگر فریاد برخی نیروهای سیاسی و افراد که «این دفعه کار تمام است» یعنی این دفعه حتماً مردم رژیم جمهوری اسلامی را می‌روبانند، به آسمان می‌رود. این فریادها نشان دهنده عدم آگاهی به مبارزه طبقاتی، به لزوم درجه معینی از آگاهی طبقاتی و اجتماعی برای تغییرات بزرگ و در نظر نگرفتن مشکلات راه و تناسب نیروهای درگیر در جامعه است.»

روند زندگی خیلی زود نادرستی این فریادها را به اثبات رساند. حال می‌توان به روشنی یکی از عوامل مهم در تازاندن جنبش دی ماه ۱۴۰۴ جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را نشان داد، جنبشی که شرایط پیروزی نه برای عوض کردن مهره رهبری در یک رژیم فاشیستی و نه برای یک تحول انقلابی آماده نبود. تمام مدیای غربی، مدیای وابسته به اسرائیل و آمریکا از قبیل رادیو اینترناشنال و گروه سلطنت طلب بی وقفه به تازاندن این جنبش مشغول بودند. این نیروها در جنایات بی سابقه و کشتار گسترده مردم، با جمهوری اسلامی ایران سهیم هستند.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران با وجود تضادهای بسیار در صفوف‌اش، یک سازمان طبقاتی منسجم، سازمان یافته، با ایدئولوژی روشن طبقاتی است که در عین حال شامل یک نیروی مسلح گسترده بسیار بی رحم و خونخوار درونی و چند نیروی مسلح آدمکش و بی رحم خارج از مرزهای ایران می‌باشد. در جنبش اخیر نیروهای حشدالشعبی عراق نیز همراه نیروهای نظامی درونی رژیم، مردم را تیرباران می‌کردند.

تجربیات این جنبش به خون خفته، با شفافیت هر چه بیشتر تجربیات جنبش‌های قبلی را به اثبات رساند:

- ۱- بدون یک رهبری قدرتمند، با نفوذ و انقلابی (حزب کمونیست راستین و سراسری ایران)، نمی‌توان در مقابل نیروئی که دارای یک رهبری ایدئولوژیک با نیروهای مسلح است مقاومت نمود!
- ۲- بدون داشتن یک آلترناتیو روشن و شفاف و انقلابی (سوسیالیسم) نمی‌توان، مردم را برای سرنگونی یک رژیم سرمایه‌داری خونخوار مسلح، متحد کرد!
- ۳- بدون اتحاد اکثریت مردم مترقی حول طبقه کارگر نمی‌توان بر رژیمی که دارای یک رهبری متمرکز متحد و منسجم است، پیروز شد.
- ۴- فقط مردم متحد و مسلح با آلترناتیو روشن و تاکتیک‌های متناسب با تغییرات نیروهای اجتماعی می‌توانند بر نیروی دشمن فاشیستی پیروز شوند.
- ۵- در جنبش غیر متشکل و بی آلترناتیو، نیروهای خود فروخته، فاسد و وابسته به امپریالیست که دارای آلترناتیو روشن هستند، رشد می‌کنند. در این جنبش سلطنت طلبان فاشیست دارای آلترناتیو روشن بودند: «این آخرین نبرده، پهلوئی بر می‌گرده». رسانه‌های غربی با دامن زدن به سلطنت طلبی و پستیانی مادی و سیاسی همه جانبه از سلطنت طلبان و فریادهای پهلوئی بر می‌گرده، و ترامپ همین روزها می‌آید، شرایط ذهنی‌ای را به وجود آوردند که بسیاری از مردمان ناآگاه بر این باور شدند که رژیم همین روزها فرو می‌ریزد، جنبش را

برای تصفیه نهائی تازاندند و چون شرایط انقلابی فراهم نبود، جنبش با دادن ده‌ها هزار کشته و زخمی عقب نشینی کرد.

بدون حضور شرایط انقلابی تازاندن جنبش برای تصفیه حساب نهائی همیشه شکست به همراه دارد. مائو تسه‌دون برای شرایطی که عوامل فوق هنوز آماده نیست چنین رهنمود می‌دهد: «حق داشتن، سود جستن، اندازه نگهداشتن» تا در این پروسه عوامل لازم برای پیروزی انقلاب فراهم شود.

اگر روابط عوامل پنجگانه فوق را در نظر بگیریم درمی‌یابیم که حلقه اصلی در ایجاد، رشد و استحکام این عوامل حضور حزب کمونیست راستین و سراسری ایران است.

امروز این حزب در ایران حضور ندارد. یکی از عوامل عدم حضور آن، سرکوب خونین کمونیست‌ها در تمام دوران رضا شاه، محمد رضا شاه و حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی‌ست. ولی مهمترین عامل عدم حضور چنین حزبی، پایه طبقاتی کمونیست‌هاست. پایه طبقاتی اکثر کمونیست‌های ایران از خرده بورژوازی میانه است. این خرده بورژوازی ذاتاً ضد کمونیست است. زیرا بخشی از کل طبقه بورژوازی‌ست. عناصر این طبقه که به جنبش کمونیستی رو می‌آورند به لحاظ آگاهی خواهان ایجاد یک حزب پر نفوذ کمونیستی در ایران می‌شوند ولی به لحاظ تعلق طبقاتی گذشته‌شان در ایجاد حزب کمونیست، نا آگاهانه مانع تراشی می‌کنند. این موانع به صورت نظریات زیر خود را نشان می‌دهد:

- هنوز شرایط ایجاد حزب آماده نیست!

- هسته‌های پراکنده کمونیستی ایجاد کنیم بعدها خودشان با هم وحدت می‌کنند و حزب به وجود می‌آورند!

- اول باید سازمان خودمان را تقویت و کارگری کنیم!

- حزب کمونیست باید از دل طبقه و جنبش کارگری بیرون آید. طبقه کارگر خودش اتوماتیک این حزب را به وجود می‌آورد!

- اصلاً احتیاج به حزب نیست. اگر سازمان‌های جنبش کمونیستی متحد شوند می‌توانند سرمایه‌داری را سرنگون سازند!

- هر سازمانی هم که نام حزب کمونیست بر خود نهاده است می‌گوید: من حزب کمونیست هستم. همه سازمان‌ها باید برنامه حزب را بپذیرند و به من بپیوندند!

ما کمونیست‌ها با این طرہات اپورتونیستی، در راه ایجاد حزب کمونیست راستین ایران مانع ایجاد می‌کنیم. آیا به راستی شرایط ایجاد حزب کمونیست در ایران وجود ندارد؟

برای جواب به این سؤال یک رجعت تاریخی ضروری‌ست:

بر مبنای داده‌های آوتیس سلطانزاده در سال ۱۹۲۱ حدود ۲۰ هزار کارگر در ایران در اتحادیه‌های کارگری سازمان داده شده بودند. اگر بر مبنای همان سند کارگران سازمان داده شده را یک پنجم کل کارگران ایران محاسبه کنیم، مجموع کارگران ایران حدود ۱۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود.

حزب کمونیست ایران در ۱۹۲۰ تشکیل شد و کمیته مرکزی آن را افراد زیر تشکیل می‌دادند:

آوتیس سلطانزاده، جعفر جوادزاده، کامران آقازاده، باتربیک لقمانویچ آبوکوف، ماتیلدا بولا، سید قلی حدادزاده، نعمت بصیر، محمد قلی علیخانوف و حیدر عمواغلی که جزو کمیته مرکزی نبود ولی رهبر حزب کمونیست ایران محسوب می‌شد.

افراد فوق جزو فعالین جنبش سوسیال دمکراسی بودند، هیچکدام کارگر نبودند ولی با جنبش کارگری ارتباط داشتند. در شرایطی که کمونیست‌ها با شدت مورد حمله و سرکوب رضا خان سردار سپه قرار داشتند ولی شرایط بین‌المللی برایشان مساعد بود توانستند حزب کمونیست ایران را به وجود آورند.

پس از متلاشی شدن حزب کمونیست ایران که بیش از لشکر کشی رضا شاه، خط مشی خرده بورژوازی در درون حزب و خیانت بورژوازی جنگل باعث آن گردید، حزب توده ایران شکل گرفت.

تشکیل حزب توده ایران ناشی از اتحاد ایدئولوژیک کمونیست‌ها با خرده بورژوازی بود. به بیان دیگر ضعف ایدئولوژیک کمونیست‌های باقی مانده از حزب کمونیست ایران باعث گردید که حزب کمونیست ایران احیا

نشود و بجای آن یک حزب خرده بورژوائی چپ شکل گیرد. با نفی حزب توده از موضع چپ سازمان‌های کمونیستی یکی بعد از دیگری و از دل یکدیگر پا به عرصه وجود گذاشتند. این سازمان‌ها بدون امکان ارتباط با توده‌های کارگر بعد از "انقلاب" ۱۳۵۷ و یورش رژیم به جنبش کمونیستی، به خارج از کشور نقل مکان کردند. اکثر اعضای این سازمان‌ها را کمونیست‌های با منشأ خرده بورژوازی میانه حال تشکیل می‌دهند. تعداد کارگران کمونیست بسیار اندک می‌باشد. لذا طبیعی‌ست که خرده بورژوازی میانه بر مبنای گرایش ذاتی‌اش در راه ایجاد حزب کمونیست مانع ایجاد کند ولی بر مبنای آگاهی تئوریک‌اش شعار ایجاد حزب بدهد و برای کمبود این حزب در شرایط فعلی اشک تمساح بریزد.

در سال ۱۹۲۰ تعداد کارگران ایران ۱۰۰ هزار نفر بود، اکنون تعداد کارگران ایران حدود ۱۶ میلیون نفر است.

در سال ۱۹۲۰ تعداد کمونیست‌های ایران پیش از ایجاد حزب صدها نفر بود، امروز تعداد کمونیست‌های ایران چندین هزار نفرند، بخشی متشکل و بخشی پراکنده

در سال ۱۹۲۰ اکثر کارگران ایران بی سواد بودند. امروز اکثر کارگران ایران باسواد هستند. بخشی از آن‌ها دارای دیپلم و تعداد اندکی هم دارای لیسانس و فوق لیسانس‌اند.

در سال ۱۹۲۰ همبستگی کارگران به علت وجود حزب بلشویک اتحاد شوروی، همبستگی ایدئولوژیک سیاسی بود، ولی امروز همبستگی کارگران یک همبستگی اقتصادی، سیاسی به گستردگی همه کشورهای جهان است. در سال ۱۹۲۰ برآمد یک رژیم شبه فاشیستی آغاز شده بود و توسط امپریالیسم انگلیس مرتب تقویت می‌شد. ولی امروز در ایران یک رژیم فاشیستی تبهکاری با پایه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پوسیده و لرزان حاکم است.

در سال ۱۹۲۰ اگر چند صد کمونیست با طبقه کارگر تماس داشتند، امروزه چندین هزار کمونیست متشکل و غیر متشکل در درجات مختلف با طبقه کارگر در تماس هستند. این به معنای کارگری بودن جنبش کمونیستی ایران نیست ولی تماس کمونیست‌ها با جنبش کارگری بسیار گسترده‌تر از سال ۱۹۲۰ می‌باشد.

در ۱۹۲۰ بخش وسیعی از کمونیست‌های ایران در قفقاز و مناطق نفتی باکو و در پیوند با جنبش کارگری سوسیال دموکراسی تربیت شده بودند ولی امروز اکثر کمونیست‌های ایران در خارج از کشور با دوری بیش از ۴۰ سال از طبقه کارگر ایران تربیت شده‌اند. ولی بخشی اندکی از همین کمونیست‌ها در سطح بین‌المللی با کارگران و جنبش کارگری کشورهای که در آن اقامت دارند، تماس نزدیک و فشرده دارند.

در سال ۱۹۲۰ طبقه کارگر، جنبش کارگری و جنبش کمونیستی دارای یک پشتیبان قدرتمند و پر شکوه کمونیستی بود؛ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. ولی در امروز طبقه کارگر و جنبش کمونیستی دارای چنین پشتیبان و پایگاه قدرتمندی نیست.

در سال‌های اخیر اکثر بخش‌های جنبش کمونیستی که سال‌های طولانی در خارج فعالیت می‌کرد، توانسته است به طور نسبی با طبقه کارگر تماس برقرار کند و یا با آن تماس برقرار کند.

با در نظر گرفتن همه این شرایط این نتیجه حاصل می‌گردد که نظر "هنوز شرایط ایجاد حزب آماده نیست!" یک نظر تسلیم طلبانه در مقابل ایدئولوژی بورژوازی‌ست. ایجاد هسته‌های پراکنده کمونیستی نیز غیر از دامن زدن به انشعاب در جنبش کمونیستی و کارگری وظیفه دیگری ندارد. این طرح در پراتیک جامعه ایران شکست خورده است. تئوری‌ها و پراتیک جنبش بین‌المللی کمونیستی در سطح بین‌المللی نیز ایجاد حزب کمونیست از درون مبارزات اقتصادی طبقه کارگر را نیز باطل ساخته است.

در نتیجه تمام شرایط اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی برای ایجاد این حزب در جامعه ایران فراهم است بجز اراده کمونیستی کمونیست‌هایی که مشقت این راه را بپذیرند و پای در راه نهند. تمام بخش‌های جنبش کمونیستی موظف هستند نقشه و برنامه خود را برای ایجاد اولین گام در وحدت اراده جنبش کمونیستی جهت کارگری شدن و ایجاد حزب کمونیست، به طور روشن و بدون من و من ارائه دهند تا شرایط مبارزه مثبت ایدئولوژیک برای این وحدت فراهم گردد. ما کمونیست‌ها در مرز خیانت به طبقه کارگر ایستاده‌ایم. بارها بهترین شرایط

را برای ایجاد وحدت اراده و نزدیک شدن به طبقه کارگر و ایجاد حزب، از دست داده‌ایم. بارها به جای انجام وظیفه مرکزی جنبش کمونیستی به انجام کارهای ظاهراً انقلابی پرداخته‌ایم مثل تشکیل چندباره شورای چپ و کمونیست که یک اتحاد جبهه واحدی در بین بخشی از جنبش کمونیستی است که این خود مصیبت عظمای دیگری است.

برای کارگری شدن و ایجاد حزب باید صفوف خود را از اندیشه‌های خرده بورژوائی و تعلل گرایانه پاک کنیم و با برگزاری یک کنفرانس حضوری از رهبران و اعضای فعال جنبش کمونیستی اولین گام مثبت را برای رسیدن به وحدت اراده برداریم.

نظم کمونیستی

۲۶ بهمن ۱۴۰۴